

عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی مطالعه موردی: شهرستان اهر

ولی‌اله رستمعلی‌زاده* - دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
علی قاسمی اردهائی - دکتری جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور
نیر رستمی - کارشناس علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور اهر

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۴/۳۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۳

چکیده

از جمله مسائل مهمی که امروزه روستاها با آن مواجه‌اند، فرایند خروج جمعیت جوان و فعال از روستاهاست که پایداری اجتماعات روستایی را به خطر می‌اندازد. مسئله اصلی این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی در روستاهاست. در این پژوهش، از روش پیمایش استفاده شده و با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، وضعیت جوانان ساکن در روستاهای شهرستان اهر مطالعه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه خانوار، طبقه اقتصادی خانواده از نظر خود پاسخگویان، و محل اشتغال پاسخگویان در ماندگاری جوانان در روستا نقش اساسی دارند. مهم‌ترین عوامل دفع جوانان از جوامع روستایی و گرایش آنها به مهاجرت به مناطق شهری نیز به ترتیب اولویت اینها هستند: کمبود امکانات رفاهی، کمبود امکانات بهداشتی، کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی، نبود شغل مناسب و مشکلات کاری، کمبود وسیله حمل‌ونقل و حاصلخیز نبودن زمین‌های کشاورزی. افزون بر اینها، ساخت تصویر منفی از روستا و ارائه تصویر مثبت از شهر، حس تعلق به روستا را بین جوانان تضعیف و فرایند ترک روستا را میان جوانان تسهیل و تسریع می‌کند. در نهایت اینکه جوانان ساکن در نواحی روستایی اهر، به ترتیب اولویت مؤلفه‌های برخورداری از امکانات رفاهی، امکانات آموزشی- فرهنگی، داشتن منابع طبیعی غنی و مرغوب، بهره‌مندی از امکانات بهداشتی - درمانی، امکانات شغلی، وجود وسیله ایاب و ذهاب و امکانات تفریحی و ورزشی را از ویژگی‌هایی می‌دانند که می‌تواند جوانان را در روستا نگه دارد و مانع سرازیر شدن آنها به سوی مناطق شهری گردد.

کلیدواژه‌ها: پایداری روستایی، تصویر روستایی، جوانان روستایی، ماندگاری جوانان روستایی، مهاجرت.

مقدمه

مهاجرت روستاشهری پدیده‌ای است که در فرایند صنعتی‌شدن کشورها ظاهر شده و بسیاری از تحولات اجتماعی و فضایی جوامع نیز ناشی از آن است. در ایران همراه با صنعتی‌شدن شهرها، فرایند جذب جوانان جوپای کار مازاد در بخش کشاورزی از روستاها به شهرها و به‌نفع فعالیت‌های صنعتی و خدماتی آغاز شد (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸). بنیان‌های زیستی و اقتصادی اولیه غالب در همه کشورها - که بر اساس زیست روستایی و معیشت کشاورزی بوده است - به‌تدریج با ورود امواج مدرنیته و با گذار از انقلاب صنعتی، جای خود را به زندگی شهری و معیشت صنعتی و خدماتی می‌دهد. در این فرایند انتقال زیستی و معیشتی، کشورهای درحال توسعه - و از جمله ایران - جهش بلندی را از زندگی سنتی روستایی به شهرگرایی مدرن می‌آزمایند. آمارهای سرشماری‌های ایران نشان می‌دهند که در طول نیم قرن گذشته، سهم جمعیت روستایی از ۶۸/۵ درصد (سرشماری ۱۳۳۵) به ۲۹ درصد (سرشماری سال ۱۳۹۰) کاهش یافته است.

کاهش سریع جمعیت روستایی ایران طی نیم قرن اخیر، متأثر از عوامل چندی است که یکی از آنها مهاجرت‌های روستا-شهر است. گرچه بین درصد مهاجرت‌های روستا-شهر (۲۰ درصد) و شهر-روستا (۱۷ درصد) طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ تفاوت رقمی اندکی وجود دارد (قاسمی اردهائی و حسینی‌راد، ۱۳۸۷)، ولی باید توجه داشت که افراد درگیر در این دو نوع جریان مهاجرتی، ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی دارند. نتایج مطالعات راغفر و قاسمی اردهائی (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که در دوره ۸۵-۱۳۷۵ مهاجران روستا-شهر و شهر-روستا در ویژگی‌های سنی، جنسیتی، وضع شغلی، وضع سواد و پایه تحصیلی و علل مهاجرت، وضعیت کاملاً متفاوتی داشته و بیشتر در جهت تضعیف کیفیت جمعیت مناطق روستایی بوده‌اند. موضوع درخور بررسی و توجه در این میان این است که در دهه گذشته بیش از ۵۰ درصد مهاجران در دامنه سنی جوان (۲۹-۱۵ ساله) بوده‌اند.

امروزه یکی از نارسایی‌های اجتماعی-اقتصادی فراروی جامعه روستایی ایران، مهاجرت بی‌رویه و تخلیه روستاها از نیروهای کارآمد و جوان است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۱، ۹۸). «پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؛ اما نوع و ماهیت آن در کشورها متفاوت است. با این حال، تمامی شواهد و مدارک حاکی از آن است که جوانان بیش از دیگر گروه‌های سنی، تن به مهاجرت می‌دهند» (اسکلدون، ۱۳۸۰). «جوانان در مناطق غیرشهری (روستایی) همواره در حال جابه‌جایی‌اند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، نزدیک به ۳۰ درصد جوانان رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال مناطق غیرشهری، هر سال نقل مکان کرده‌اند، در نتیجه خالص مهاجرت سالانه ۱/۶ درصد برای این گروه سنی بوده است» (Garasky, 2002, 410).

با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار روستا و در نتیجه تولید روستایی کاهش می‌یابد و همین امر باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌گردد. بدین ترتیب روستا از تحول اساسی بازمی‌ماند، زیرا محیط از نیروهای تحول‌زا (کارگر روستایی) تخلیه می‌شود (Amin, 1974, 104). این مهاجرت‌ها روند تخلیه روستاها به‌ویژه روستاهایی را که در طبقه جمعیتی کمتر از ۵۰ نفر قرار دارند، شدت می‌بخشد. مهاجرت‌های شدید روستایی، تعادل فضایی بین نواحی روستایی و شهری را برهم می‌زند و شهرگرایی و گسترش بی‌رویه شهرها نیز نمود بارز این فرایند است (مکانیکی و قالیبافان، ۱۳۸۲). بنابراین متروک شدن روستاها به تدریج با پدیده مهاجرت شکل می‌گیرد و عمده‌ترین پیامدهای مهاجرت به خارج نیز عبارت‌اند از: کاهش جمعیت، تغییر ترکیب جمعیت، تسریع رشد جمعیت شهری و کاهش رشد جمعیت روستایی (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۸۸).

فرایند مهاجرت گسترده و خروج جمعیت جوان و فعال از روستاها، پایداری^۱ اجتماعات روستایی را در معرض خطر قرار می‌دهد. «پایداری اجتماع محلی، کوششی است به منظور حفظ

1. Sustainability

اقتصاد، اجتماع و محیط زیست سالم و پررونق؛ تطبیق با فشارهای داخلی و خارجی؛ استفاده از مزیت فرصت‌های داخلی و خارجی؛ فراهم آوردن کیفیت بالای زندگی برای ساکنان؛ و استمرار داشتن در طول زمان» (MacKendrick and Parkins, 2004, 3). در سند چشم‌انداز چلتن‌هام^۱ (۱۹۹۸) نیز پایداری به‌عنوان «ظرفیتی مستمر برای آینده‌ای بلندمدت» تعریف شده است. این تعریف بر مفهوم «حفاظت از سرمایه‌ها» تکیه دارد که به‌طور مشخص در کارهای اکینز^۲ و همکارش نیز آمده است. اکینز مفهوم سرمایه را در چهار بخش عنوان می‌کند:

- سرمایه زیست‌محیطی، که متشکل از ذخایر و جریان انرژی و کالاست و حالت فیزیکی آن از وضعیت‌های اقلیمی یا اکوسیستمی متمایز است؛
- سرمایه انسانی، که برگرفته از توانایی افراد برای انجام کارهای مولد است، و شامل سلامت فیزیکی و ذهنی، قدرت و بنیه، دانش، مهارت، انگیزه و نگرش آنها می‌شود؛
- سرمایه اجتماعی، به ساختارهای اجتماعی، نهادی و ارزش افزوده‌ای که اشخاص می‌توانند با آن سرمایه انسانی را حفظ و تقویت کنند (تا مولد باشند)، مربوط می‌شود. این نوع از سرمایه را می‌توان در سازمان‌ها، شرکت‌ها، انجمن‌های تجاری، خانواده‌ها، اجتماعات، شبکه روابط غیررسمی، سازمان‌های داوطلب، نظام‌های سیاسی و قانونی، مؤسسات آموزشی، خدمات بهداشتی، نهادهای مالی، نظام‌های مالکیت و مانند اینها جست‌وجو کرد.
- سرمایه مصنوع^۳، که شامل کالاهایی مثل ابزار، ماشین‌آلات، ساختمان، و زیرساخت‌هاست و همه کالاهایی را که در فرایند تولید نقش دارند (بدون آنکه در محصول نهایی بتوان آنها را تشخیص داد)، دربرمی‌گیرد (موزلی، ۱۳۸۸، ۲۴-۲۳).

1. Cheltenham Observatory
2. Ekins
3. Manufactured capital

توجه به این نکته مهم است که سرمایه با توسعه نامناسب و بدون جانشین‌سازی کافی تخریب می‌شود و بدون شک وضعیت ناپایداری را به وجود می‌آورد. بحث اصلی توسعه پایدار این است که به همه این سرمایه‌ها باید توجه شود (موزلی، ۱۳۸۸، ۲۵).

یکی از عواملی که باعث ناپایداری روستایی، عدم ماندگاری جوانان روستایی و جذابیت پایین محیط‌های روستایی می‌شود، بهزیستی^۱ پایین در جوامع روستایی ایران است. شاخص‌های بهزیستی جامعه روستایی ایران در وضعیت پایین‌تری از جامعه شهری قرار دارد و همین امر سبب می‌شود که مناطق روستایی جذابیت‌های لازم را برای افراد نداشته باشند. فاصله میان مطلوبیت زندگی در جامعه روستایی و شهری و حتی مناطق مختلف جغرافیایی کشور، مهاجرت روستاییان به شهرها را به یکی از معضلات امروزی کشور بدل ساخته است. بالطبع اگر این فاصله‌ها کم نشود و مطلوبیت‌ها و جذابیت‌های محیط‌های روستایی بالا نرود، روند مهاجرت شدت خواهد یافت. بنابراین مطلوبیت روستایی می‌تواند باعث افزایش حس تعلق، مشارکت، سرمایه‌گذاری، سرزندگی، قابلیت زیست و برگشت دوباره و حیات‌بخشی به روستا و محیط روستایی شود (رستمعلی‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۰، ۱۸۳).

با توجه به ویژگی‌های مهاجران به تفکیک جریان‌های مهاجرتی، و عواقب مهاجرت‌های جوانان روستایی در مبادی و مقاصد مهاجرتی و نیز از آنجاکه در دهه گذشته بیش از ۵۰ درصد مهاجران در دامنه سنی جوان (۲۹-۱۵ سال) قرار داشتند، ارائه مدلی به‌منظور نگهداری و ماندگاری جوانان در مناطق روستایی می‌تواند ضمن جلوگیری از تضعیف کیفیت جمعیت

۱. بهزیستی (Wellbeing) عبارت است از وجود بهترین سطح کیفیت زندگی در معنای وسیع آن، که شامل استانداردهای یک زندگی خوب، سطح بالای بهداشت و سلامتی، محیط زیست پایدار، اجتماعات سرزنده، مردم تحصیل‌کرده، استفاده متعادل از زمان، سطوح بالای مشارکت مدنی و دسترسی و مشارکت در هنر، فرهنگ و تفریحات پویاست (Murphy, 2010, 4). بهزیستی اجتماع روستایی، مفهومی است که بر مبنای تغییرات ساختاری، تغییرات در استاندارد یا کیفیت زندگی، و تغییرات در رفاه، شادکامی و رضایت از زندگی توصیف شده است (Claude, 1995, 9).

روستایی، به توسعه پایدار روستایی کمک کند و از پیامدهای مهاجرت در مبادی و مقاصد مهاجرت بکاهد. پژوهش حاضر نیز در پی آن است که دریابد: جوانان روستایی با ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی‌شان، چه برداشتی از زندگی روستایی دارند؟ ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و امکانات روستاها چه تأثیراتی می‌تواند در نگه‌داشت جوانان در مناطق روستایی داشته باشد؟ در بهترین و مؤثرترین مدل‌های تبیین‌کننده زمینه‌های ماندگاری جوانان در مناطق روستایی، چه ویژگی‌های سطح فردی و روستایی می‌بایست در نظر گرفته شود؟

مبانی نظری

فرایند تصمیم به مهاجرت از سه عامل مهم تأثیر می‌پذیرد، که شامل اینهاست: عامل‌های فردی، عامل‌های خانوادگی و عامل‌های اجتماع محلی (روستایی) (Garasky, 2002). تصمیم نوجوانان و جوانان برای ترک والدین و اجتماع زادگاهی‌شان پیچیده و دشوار است (Elder et al., 1996; Gibbs, 1995). ویژگی‌های این جوانان، محیط خانه و اجتماع محلی‌شان در این تصمیم‌گیری اهمیت بسیار دارد (Garasky et al., 2001). گاراسکی (۲۰۰۲) بر این عقیده است که فرایند تصمیم‌گیری درخصوص مهاجرت از چشم‌انداز نظری پیچیده است. نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، نقل مکان مردم را نتیجه اختلاف وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌ها می‌داند. افراد، مکانی را برمی‌گزینند که شرایط بهزیستی‌شان را بهینه و حداکثر کند (Jobs, 2000; Cadwallader, 1992). مدل‌های «جاذبه و دافعه»^۱ مهاجرت نیز نشان می‌دهند که افراد از مناطق گرفتار رکود اقتصادی دفع و جذب مناطق مرفه می‌شوند (DaVanzo, 1981). مدل‌های سرمایه‌انسانی نیز چنین مطرح می‌کنند که کسانی که از منابع اقتصادی و اجتماعی بهتری بهره‌مندند به احتمال زیاد مهاجرت می‌کنند و وضعیت‌شان را بهبود می‌بخشند (Garasky, 2002, 410).

1. Pull-push

تحرك اجتماعي - به‌ويژه در مناطق روستايي - متضمن تحرك جغرافيايي است (Stockdale, 2004)، چرا كه فرصت‌هاي تحرك اجتماعي در روستاها كم و در سطح پاييني است. جهاني‌شدن اقتصاد و فرايندهاي اجتماعي و فرهنگي دخيل در فرديت‌سازي^۱ باعث شده‌اند كه افراد جوان وابستگي كمترى به فرصت‌هايي داشته باشند كه در منطقه محل تولدشان وجود دارد (Liefbroer and De Jong Gierveld, 1995). در اين ميان گذار از آموزش متوسطه به عالي از عوامل بسيار مهمي است كه انگيزه‌هايي را براي تصميم به مهاجرت جوانان فراهم مي‌كند (Mulder and Clark, 2002). ورود به بازار كار نيز يكي ديگر از انگيزه‌هاي مهم در زمان تصميم‌گيري براي ترك يا ماندن است. فرصت‌هاي اشتغال - به‌ويژه براي افراد با تحصيلات عالي - در بسياري از مناطق روستايي كمياب است (Thissen et al., 2010). افزون بر اينها، كشورها و مناطق مختلف با توجه به فرديت‌سازي افراد جوان از نظر فرهنگي متفاوت‌اند و همين عامل مي‌تواند در تأثيرگذاري زادگاه بر شكل‌گيري هويت جوانان و نيز در ميانگين سني‌اي كه افراد جوان خانه پدري را ترك مي‌كنند، يا زندگي مستقل را به‌تنهائي شروع زندگي مي‌كنند، مؤثر باشد (Thissen et al., 2010, 429).

در ايران نيز علل و انگيزه‌هاي مهاجرت در طي يك دهه نشان مي‌دهد كه عامل‌هاي تحرك اجتماعي، از مهم‌ترين دلايل مهاجرت بوده‌اند. همان‌طور كه در جدول ۱ نشان داده شده است، بعد از عامل پيروي از خانواده - كه تمام اعضاي خانواده با مهاجرت پدر خانواده دست به مهاجرت مي‌زنند - و خدمت نظام وظيفه - كه عامل اجباري است و جوان روستايي را با محيط شهري آشنا مي‌كند - جست‌وجوي كار، كار برتر و تحصيل از عوامل اصلي مهاجرت به‌شمار مي‌آيد (آمار سرشماري، ۱۳۸۵).

جدول ۱. توزیع نسبی مهاجران داخلی کشور بر حسب علت مهاجرت

به تفکیک نقاط شهری و روستایی طی دوره ۸۵-۱۳۷۵

شرح	کل	کار	جست‌وجوی کار بهتر	جست‌وجوی کار	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	وظیفه	انجام خدمت	وظیفه	پایان خدمت	خانواده پیروی از	سایر	اظهار نشده
کل کشور	۱۰۰/۰	۸/۷	۵/۰	۵/۱	۸/۶	۱/۳	۳/۸	۶/۶	۴۶/۰	۱۰/۱	۴/۸			
نقاط شهری	۱۰۰/۰	۸/۶	۵/۲	۵/۸	۱۰/۰	۱/۳	۲/۷	۴/۸	۴۶/۷	۱۰/۱	۴/۸			
نقاط روستایی	۱۰۰/۰	۹/۱	۴/۶	۳/۱	۴/۴	۱/۳	۶/۸	۱۱/۷	۴۳/۹	۱۰/۳	۴/۸			

تیسین و دیگران (۲۰۱۰) موضوع مهاجرت جوانان روستایی را با توجه به چشم‌انداز منطقه‌ای/مکانی^۱ و چشم‌انداز فرد جوان^۲ بررسی کرده‌اند (Thissen et al., 2010). رویکرد چشم‌انداز منطقه‌ای/مکانی معطوف به توسعه اقتصادی مناطق روستایی و همچنین متمرکز بر روستاها به‌عنوان زمینه‌ها و محیط‌های اجتماعی است (Stockdale, 2006). این چشم‌انداز بر موضوعات مهمی همچون میزان و نوع اشتغال در منطقه، ویژگی‌های عرضه نیروی کار در منطقه، و ساختار سنی و انسجام اجتماعی درون اجتماعات محلی تأکید دارد. سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی درون منطقه و اجتماعات محلی از عوامل موفقیت در نظر گرفته می‌شوند، چراکه جوانان بنا دارند زندگی بزرگسالی و هویت خود را در همان اجتماع محلی و منطقه زادگاهشان بسازند. از این چشم‌انداز، مهاجرت خالص درون‌کشوری جمعیت جوان، شکست تلقی می‌شود (Thissen et al., 2010).

1. Perspective of the region
2. Perspective of the Young Individual

در رویکرد چشم‌انداز فرد جوان، تحرک جغرافیایی (مهاجرت) با تحرک اجتماعی پیوند دارد (Rye, 2006). در تصمیمات این مرحله از زندگی نسل کنونی جوانان، نقش منطقه و اجتماع محلی‌ای که فرد در آن متولد شده از نسل‌های پیشین کمتر است. تحرک اجتماعی جوانان با فرصت‌های اشتغال و آموزش خارج از منطقه زادگاه‌شان ارتباط مستقیم دارد. برای جوانان، ماندن در منطقه زادگاه‌شان تنها یکی از گزینه‌های بسیاری است که می‌توانند پیش رو داشته باشند. امروزه دیگر تعلق^۱ به مکانی که افراد در آن متولد شده‌اند در شکل‌گیری هویت جوانان روستایی تعیین‌کننده نیست. جوانانی که دارای تحصیلات عالی هستند، بیشتر جهان‌وطنی^۲ آند تا اینکه ریشه‌های عمیقی در اجتماع روستایی داشته باشند. از این چشم‌انداز فردی، توسعه موفقیت‌آمیز هر منطقه و اجتماع محلی، عمدتاً بستگی به توانایی جذب مهاجران بازگشتی بزرگسال یا تازه‌واردانی دارد که انباشته از سرمایه‌های اجتماعی و انسانی نقاط دیگر هستند (Thissen et al., 2010, 429).

در کنار عامل‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و مکانی، عامل مهم دیگری که سبب می‌شود جوانان روستا را ترک کنند، تصویرهای متفاوتی است که در ذهن خود از شرایط و امکانات روستا و شهر دارند. چنین تصویری از روستا و شهر، باعث تضعیف حس تعلق به روستا در بین جوانان می‌شود و فرایند ترک روستا را تسهیل و تسریع می‌کند.

تصویری که جوانان روستایی از روستا دارند در ایجاد انگیزه در آنها برای اشتغال به کار کشاورزی و همچنین ایجاد حس تعلق به زادگاه‌شان و ماندن در روستا نقش بسزایی دارد. امروزه به‌خصوص در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، فرایندهای مختلفی در جهت تضعیف زندگی روستایی عمل می‌کنند و ارزش‌های زندگی در روستا را کاهش می‌دهند به طوری که دیگر «تمایزات بین جامعه روستایی و شهری به دلیل نفوذ و گسترش بی‌رویه

1. Attachment
2. Cosmopolitan

شهرنشینی و فرهنگ شهری کمتر شده و روستا کمتر از همیشه روستایی باقی مانده است» (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱). شهرمحوری برنامه‌ریزان، فرایندهای جهانی‌شدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، بازنمایی زندگی روستایی به صورت زندگی سطح پایین و مواردی از این قبیل در تصویری که جوان روستایی از زندگی روستایی تجسم می‌کند، اهمیت می‌یابد. امروزه جوانان روستایی حتی با داشتن شغل و درآمد مناسب، نخست اینکه علاقه‌ای به کار کشاورزی ندارند و مهم‌تر اینکه اساساً خواهان زندگی در روستا نیستند. بنابراین فرایند احساس تعلق^۱ به زادگاه در روستاها رو به کاهش است.

شهرگرایی (عینی و ذهنی) را می‌توان گونه‌ی تقلیدی تبدیل زندگی روستایی به زندگی شهری قلمداد کرد. از زمینه‌های شکل‌گیری شهرگرایی می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: همراهی دانش- قدرت برنامه‌ریزان توسعه و توسعه روستایی، هژمونی نگاه مرکزگرایانه شهر در برنامه‌های روستایی، خودبینی برنامه‌ریزان توسعه، رسانه‌های مسلط شهری و مانند اینها. این شیوه زندگی می‌تواند تصویر جوانان از زندگی روستایی را تحت تأثیر قرار دهد و مکان‌های زندگی روزمره جوانان روستایی را خالی از هویت کند. «منظور از مکان‌های روزمره، جاهایی است که "پیش از هر جا و غالب اوقات" در آن هستیم (Felski, 1999, 29). تجربیات افراد عمدتاً در این مکان‌ها شکل می‌گیرد و بروز می‌یابد، و بخش زیادی از تعامل‌های اجتماعی نیز در آن رخ می‌دهد. از طریق تجربیات، فعالیت‌ها و تعاملات، در گذر زمان، احساس تعلق به مکان‌های خاص شکل می‌گیرد» (Rubenstein and Parmalee, 1992).

احساس تعلق می‌تواند به مکانی و یا به گروهی باشد، و در هر شکل آن، پیامدهای مثبتی برای افراد به دنبال دارد (Trell et al., 2012, 140-141). اوسترممن (۲۰۰۰) بیان می‌کند که افراد جوانی که در زندگی روزمره‌شان احساس تعلق را تجربه می‌کنند، اندوخته درونی

1. Sense of Belonging

بیشتری دارند. آنها خودشان را افرادی شایسته و مستقل می‌انگارند، انگیزه درونی بیشتر و احساس هویت قوی‌تری دارند، و تمایل بیشتری برای تطبیق و پذیرش با ارزش‌ها و هنجارها از خود نشان می‌دهند (Osterman, 2000). در سطح اجتماع محلی نیز، احساس تعلق می‌تواند منجر به تعامل، مشارکت و انسجام اجتماعی شود (Putnam, 2000). احساس تعلق در افراد می‌تواند برای مراقبت از محیط زندگی‌شان و اینکه به مکان‌های معنادار^۱ برگردند و یا نزدیک به آن باقی بمانند، انگیزه ایجاد کند (Trell et al, 2012, 140-141).

مفهومی که مکان‌ها برای افراد دارند عمیقاً در روان آنها جاری است. مکان‌ها فقط محیط‌های فیزیکی تجربه روزمره نیستند، بلکه برای افراد اهمیت روانی دارند و به درک چگونگی ارتباط با دیگران و جهان پیرامون‌شان کمک می‌کنند. خاطره‌ها و تجربه‌های زندگی، به شیوه‌ای که مردم مکان‌ها را ادراک می‌کنند شکل می‌دهند و سهم عمده‌ای در بسط تعلق‌شان به آنها را دارند.

تعلق افراد به مکان‌های خاص، به ایجاد و حفظ هویت افراد کمک می‌کند. اختلال در تعلق مکانی می‌تواند باعث حس گمگشتگی^۲ و اندوه^۳ شود و پیامدهای زیان‌باری برای اجتماعات داشته باشد. کم‌رنگ شدن حس تعلق، رغبت افراد را برای سرمایه‌گذاری در منطقه محل زندگی‌شان (برای مثال برای بهبود خانه‌های‌شان) کم می‌کند و می‌تواند باعث ترک منطقه شود (Christakopoulou et al., 2001).

به‌طور خلاصه بر مبنای آنچه تاکنون گفته شد، فرایند تصمیم به مهاجرت جوانان روستایی تحت تأثیر سه بعد مهم عامل‌های فردی، خانوادگی و اجتماع محلی (روستایی) است. این عامل‌ها پیوند وثیقی با رویکردهای نظری اقتصاد نئوگلاسیک، مدل‌های جاذبه و دافعه جمعیتی

1. Meaningful places
2. Loss
3. Grief

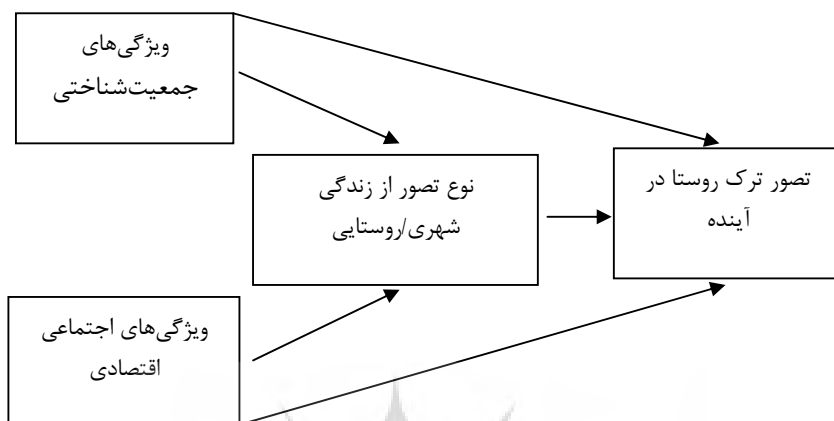
مهاجرت و مدل‌های سرمایه‌انسانی دارند. از سوی دیگر، چشم‌انداز منطقه‌ای/مکانی و چشم‌انداز فرد جوان نیز به شدت بر سه عامل مذکور تأثیر می‌گذارد.

در کنار این عامل‌های فردی و خانوادگی چون جست‌وجوی فرصت‌های شغلی، تحصیلات، ارزش‌های زندگی شهری و مواردی از این قبیل، فرایندهای جهانی‌شدن و فردیت‌سازی نیز نقش مهمی در مهاجرت جوانان دارند، به گونه‌ای که این ابعاد همدیگر را تشدید و یا تضعیف می‌کنند. برای مثال، نبود فرصت‌های شغلی در روستا به همراه تحصیلات جوان روستایی و ارتباطات با خانواده و یا شبکه‌های خانوادگی مهاجران با شهرها، عامل تسهیل‌کننده مهاجرت جوانان به شهرها می‌شود.

مدل مفهومی و فرضیات تحقیق

با توجه به نمودار تحلیلی شکل ۱، فرضیه‌های تحقیق را می‌توان به شکل زیر ساختار بندی کرد:

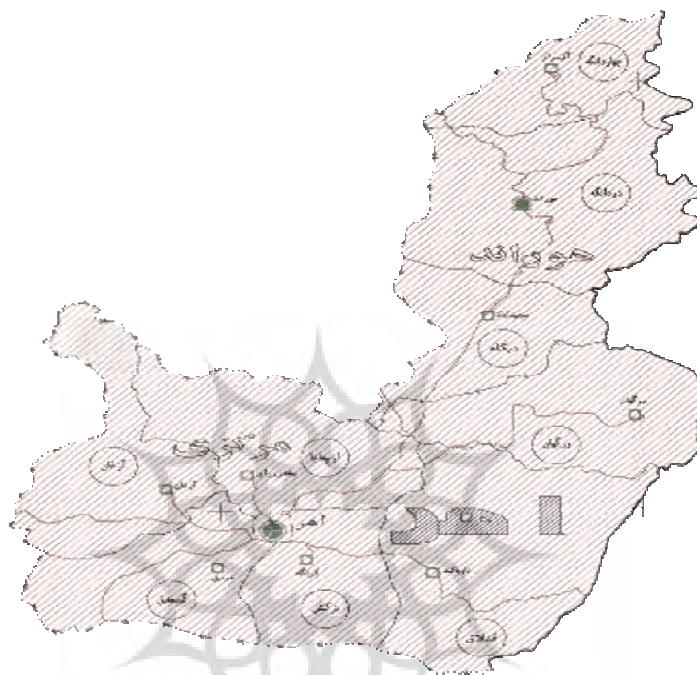
- به نظر می‌رسد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جوانان (جنس، سن و وضع تأهل) در ماندگاری آنان در مناطق روستایی مؤثر است.
- به نظر می‌رسد ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی جوانان (اشتغال، موقعیت اقتصادی و تحصیلات) در ماندگاری آنان در مناطق روستایی مؤثر است.
- به نظر می‌رسد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جوانان در نوع تصور آنان از زندگی شهری/روستایی مؤثر است.
- به نظر می‌رسد ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی جوانان در نوع تصور آنان از زندگی شهری/روستایی مؤثر است.
- به نظر می‌رسد نوع تصور جوانان روستایی از زندگی شهری/روستایی در ماندگاری آنان در مناطق روستایی مؤثر است.



شکل ۱. نمودار تحلیلی عوامل مؤثر در ماندگاری جوانان در مناطق روستایی

حوزه تحقیق

این پژوهش در مناطق روستایی شهرستان اهر انجام شده است. شهرستان اهر یکی از شهرستان‌های شمالی استان آذربایجان شرقی است، که از شمال به شهرستان کلیبر، از جنوب به شهرستان هریس، از شرق به شهرستان مشگین‌شهر، از غرب به شهرستان ورزقان و از شمال شرق به شهرستان تبریز محدود است. زراعت و دامداری دو قطب اقتصادی و تولیدی این شهرستان‌اند، و در کنار آن باغداری و صنایع‌دستی (قالی‌بافی، ورنی‌بافی و گلیم‌بافی) نیز در روستاهای آن رواج دارد. شهرستان اهر دارای دو بخش (مرکزی و هوراند)، ۹ دهستان و حدود ۲۸۵ آبادی است. دهستان‌های آذغان، اوچ‌هاچا، بزکش، قشلاق، گویجه بل و ورگهان متعلق به بخش مرکزی است و دهستان‌های چهاردانگه، دودانگه و دیکله به بخش هوراند تعلق دارند. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهرستان نزدیک به ۱۴۸ هزار نفر است. از این تعداد جمعیت، حدود ۶۱ درصد در نقاط شهری (شهرهای اهر و هوراند) و بقیه در مناطق روستایی سکونت دارند.



شکل ۲. نقشه تقسیمات شهرستان اهر

روش تحقیق

با استفاده از روش پیمایش و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، وضعیت جوانان ساکن در روستاهای شهرستان اهر مطالعه و بررسی شده است. موقعیت جغرافیایی، دوری و نزدیکی به شهر، ساخت سنی جوان و تحصیل‌کرده، وضعیت ماندگاری در روستا در سال‌های اخیر (وضعیت مهاجرت) و دارا بودن منابع طبیعی، از ملاک‌های تعیین‌کننده در انتخاب خوشه‌ها بوده‌اند. باتوجه به این ملاک‌ها، ۲۷ روستا که در هشت دهستان پراکنده بودند، انتخاب شدند.

۵۷۰ جوان ۱۵-۳۰ ساله به‌عنوان نمونه از بین این تعداد روستا، به‌روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از این افراد، از پرسشنامه محقق‌ساخته و تکنیک مصاحبه بهره گرفته شده است. لازم به ذکر است که تعدادی از پرسشنامه‌ها به‌دلیل اطلاعات ناقص حذف گردیده و تحلیل نهایی روی ۵۳۵ نفر انجام گرفته است.

یافته‌های تحقیق

مشخصات عمومی پاسخگویان

۳۰۲ نفر از پاسخگویان مرد و ۲۳۳ نفر از آنها زن هستند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۶۶ درصد متأهل و ۳۴ درصد مجردند. میزان تحصیلات پاسخگویان به پنج طبقه بی‌سواد و ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر طبقه‌بندی شده و توزیع درصد آنها به‌ترتیب چنین است: ۱۰/۱، ۱۶، ۵۲/۷، ۹/۵ و ۱۱/۷ درصد. در این میان بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر هستند. از نظر وضعیت شغلی نیز ۱۴/۸ درصد شاغل، ۲۴ درصد بیکار جویای کار، ۳۷ درصد محصل و دانشجو، ۱۴/۳ درصد سرباز، و ۱۶/۵ درصد خانه‌دارند؛ ۵/۱ درصد نیز سایر وضعیت‌های شغلی را دارا هستند. در میان افراد شاغل، ۴۱ درصد به کارگری و کشاورزی، ۲۷/۷ درصد به کار ساختمانی، فنی و مهارتی، و ۱۳/۹ درصد به کارهای اداری و فرهنگی اشتغال دارند؛ ۱۷/۵ درصد نیز دارای سایر مشاغل هستند. از لحاظ میزان درآمد، ۳۴/۳ درصد دارای درآمد پایین، ۳۷/۷ درصد درآمد متوسط و ۲۸ درصد با درآمد بالا هستند. از نظر وضعیت ماندگاری در روستا، ۷۳/۴ درصد قصد ترک روستا در آینده را دارند و ۲۶/۶ درصد اظهار کرده‌اند که در روستا خواهند ماند.

علل ماندگاری یا ترک روستا در آینده از نظر پاسخگویان

از پاسخگویان خواسته شد تا علت ماندگاری‌شان در روستا یا دلایل ترک آن را ذکر کنند؛ پاسخ‌های به‌دست‌آمده، بدین شرح است: ۴۷/۵ درصد جوانان کمی درآمد و نبود شغل مناسب

در روستا، ۲۲ درصد نبود امکانات آموزشی و تحصیلی در روستا و قصد ادامه تحصیل در شهر، و ۷/۵ درصد، پیروی از خانواده (شغل پدر خانواده و ازدواج) را علت ترک روستا برشمرده، و ۲۳ درصد نیز به سایر موارد همچون تضمین آینده فرزندان در شهر، نبود آسایش در روستا، پایین بودن سطح فرهنگ و جز اینها اشاره کرده‌اند. جوانانی که اظهار کرده‌اند در روستا ماندگار خواهند بود، دلیل ماندگاری‌شان را دل بستگی به خانواده و فامیل و علاقه به زادگاه (۴۰/۵ درصد)، داشتن شغل و درآمد مناسب در روستا (۲۰/۸ درصد)، وجود طبیعت زیبا و آب‌وهوای پاک در روستا و مشکلات آلودگی در شهر (۷/۵ درصد) برشمرده، و بقیه نیز سایر موارد از جمله داشتن زندگی راحت و آسوده در روستا، قصد ادامه دادن شغل پدر، مخالفت خانواده و موارد دیگر را بیان کرده‌اند.

بررسی وضعیت ماندگاری جوانان در روستا برحسب ویژگی‌های فردی

به‌منظور بررسی رابطه بین متغیرهای جنس، سن و وضعیت تأهل با میزان ماندگاری جوانان در روستا از آزمون X^2 استفاده شده است. بررسی رابطه جنس و سن با ماندگاری در روستا نشان می‌دهد که این متغیرها تأثیری در ماندگاری جوانان ندارند، درحالی‌که وضعیت تأهل تعیین‌کننده است. طبق جدول ۲، افراد مجرد بیش از هم‌تاهای متأهل‌شان تمایل به ترک روستا دارند، به‌طوری‌که ۲۲ درصد افراد مجرد (در مقایسه با ۴۰ درصد متأهل‌ها) اظهار کرده‌اند که در روستا ماندگار خواهند بود. دل بستگی و احساس تعلق بیشتر به خانواده در افراد متأهل دلیل اصلی چنین تفاوتی است.

بررسی وضعیت ماندگاری جوانان در روستا برحسب ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی

عوامل اقتصادی - اجتماعی همانند وضعیت اشتغال (نوع شغل و محل اشتغال)، طبقه اقتصادی خانواده از نظر پاسخگویان، میزان درآمد ماهیانه خانوار، و تحصیلات آنها، به‌عنوان عوامل

مداخله‌گر بر ماندگاری جوانان در روستا بررسی شدند. نتایج آزمون آماری نشان می‌دهد که متغیرهای مذکور بر ماندگاری جوانان در روستا و یا ترک آن نقش اساسی دارند. بررسی وضعیت اشتغال جوانان نشان می‌دهد که ۸۱ درصد دانشجویان و ۸۰/۹ درصد محصل‌ها قصد ترک روستا در آینده را دارند. نوع شغل حاکی از آن است که ۲۵ درصد افرادی که شغل‌شان کارمندی است، در روستا ماندگار خواهند بود و البته ۷۵ درصدشان در آینده روستا را ترک خواهند کرد.

نتایج بررسی تأثیر میزان تحصیلات بر ماندگاری جوانان در روستا نشان می‌دهد که جوانانی با تحصیلات بالاتر کمتر تمایل به ماندگاری در روستا دارند؛ به طوری که فقط ۱۰/۵ درصد از کسانی که دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند، در روستا خواهند ماند. جوانان، بیشتر علاقه‌مند به تحرک اجتماعی، احراز موفقیت‌های بیشتر و کسب موقعیت و منزلت اجتماعی برتر هستند. در این بین امکان ورود به بازار کار و فرصت‌های اشتغال برای افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند در مناطق روستایی خیلی کم است و این می‌تواند دلیلی بر ترغیب و ایجاد انگیزش برای ترک روستا باشد.

میزان درآمد افراد نیز عامل تأثیرگذار مهمی بر ماندگاری جوانان است. جوانانی که درآمدهای پایین‌تر است، بیشتر تمایل به ترک روستا دارند تا ماندگاری. تنها ۱۸/۸ درصد از افرادی که درآمدهای در سطح پایین‌تری است، اظهار کرده‌اند که در روستا خواهند ماند و در مقابل ۸۱/۲ درصد قصد ترک روستا را دارند. محل اشتغال پاسخگویان به عنوان متغیر زمینه‌ای با ماندگاری جوانان در روستا بررسی شده است.

نتایج آزمون نشان می‌دهند که محل اشتغال بر ترک روستا یا ماندگاری جوانان تأثیرگذار است؛ به طوری که ۸۱/۶ درصد افرادی که در شهر و ۷۵ درصد افرادی که در روستای دیگر مشغول به کارند، ادعا کرده‌اند که روستای‌شان را در آینده ترک خواهند کرد.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب وضعیت ماندگاری جوانان در روستا به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	مقوله‌ها	تصور ترک روستا در آینده (درصد)		تعداد	آماره‌های آزمون
		خیر	بلی		
جنس	مرد	۲۹/۲	۷۰/۸	۲۹۵	$X^2 = ۲/۶۷۷$ $Sig = ۰/۱۰۲$
	زن	۲۲/۷	۷۷/۳	۲۲۰	
سن	۱۵-۱۹	۲۳	۷۷	۱۷۴	$X^2 = ۳/۴۶۶$ $Sig = ۰/۱۷۷$
	۲۰-۲۴	۲۵/۹	۷۴/۱	۲۰۵	
وضعیت شغلی	شاغل	۴۰/۵	۵۹/۵	۷۴	$X^2 = ۱۳/۹$ $Sig = ۰/۰۳۱$ $Cramer's V = ۰/۱۶۶$
	بیکار جویای کار	۲۷/۲	۷۲/۸	۱۲۵	
محصل	۱۹/۱	۸۰/۹	۱۱۵		
دانشجو	۱۸/۹	۸۱/۱	۷۴		
سرباز	۳۰/۸	۶۹/۲	۱۳		
خانه‌دار	۲۷/۵	۷۲/۵	۸۰		
نوع شغل	سایر	۳۴/۶	۶۵/۴	۲۶	$X^2 = ۸/۹۲$ $Sig = ۰/۰۳$ $Cramer's V = ۰/۲۳۷$
	کارگری و کشاورزی	۲۶/۹	۷۳/۱	۶۷	
تحصیلات	ساختمانی و فنی اداری و فرهنگی	۳۴/۱	۶۵/۹	۴۴	$X^2 = ۱۱/۵۵$ $Sig = ۰/۰۲۱$ $Cramer's V = ۰/۱۵۵$
	سایر	۲۵	۷۵	۲۰	
بیسواد و ابتدایی	بیسواد و ابتدایی	۳۴	۶۶	۵۰	$X^2 = ۶/۷۵$ $Sig = ۰/۰۲۲$ $Cramer's V = ۰/۱۵۵$
	راهنمایی	۳۴/۲	۶۵/۸	۷۳	
متوسطه	متوسطه	۲۶/۴	۷۳/۶	۲۵۴	$X^2 = ۱۱/۱۳$ $Sig = ۰/۰۰۱$ $\Phi = ۰/۱۴۸$
	فوق دیپلم	۲۲/۷	۷۷/۳	۱۷۳	
لیسانس و بالاتر	لیسانس و بالاتر	۱۰/۵	۸۹/۵	۴۴	$X^2 = ۷/۱۵$ $Sig = ۰/۰۲۸$ $Cramer's V = ۰/۲۱۱$
	پایین متوسط	۱۸/۸	۸۱/۲	۱۱۲	
پایین متوسط بالا	پایین متوسط بالا	۳۳/۹	۶۶/۱	۱۱۸	محل اشتغال
	متوسط	۳۲/۶	۶۷/۴	۸۹	
تاهل	مجرد	۲۲	۷۸	۳۳۶	همین روستا
	متاهل	۳۵/۸	۶۴/۲	۱۷۳	
محل اشتغال	روستای دیگر	۴۰/۹	۵۹/۱	۱۱۰	شهر
	شهر	۲۵	۷۵	۸	
شهر	شهر	۱۸/۴	۸۱/۶	۴۳	

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که فرایند تصمیم‌گیری به مهاجرت در واقع پیامد عدم توازن بین امکانات مبدأ و مقصد است، افراد همیشه از مناطق فقیر خارج و جذب مناطق مرفه می‌شوند. بنابراین از افراد خواسته شده بود تا عوامل دافعه روستایی و جاذبه شهری را به ترتیب اولویت ذکر کنند. طبق جدول ۳، بیشتر پاسخگویان به ترتیب به عوامل کمبود امکانات رفاهی^۱ (۲۰/۸۳ درصد) کمبود امکانات بهداشتی (۱۹/۵۶ درصد)، کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی (۲۱/۳ درصد)، نبود شغل مناسب و مشکلات کاری (۱۹/۱ درصد)، کمبود وسیله حمل و نقل (۹/۸ درصد) و کمبود منابع طبیعی و عدم حاصلخیزی زمین‌های زراعی (۵/۳ درصد) به عنوان عوامل دافعه روستایی اشاره کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب دافعه روستایی

دافعه مبدأ	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	کل
کمبود امکانات رفاهی	۲۰/۶	۲۱/۸	۲۰/۱	۲۰/۸۳
کمبود امکانات بهداشتی	۲۱/۷	۱۸/۹	۱۸/۱	۱۹/۵۶
مشکلات کاری	۲۴/۱	۱۶/۲	۱۷	۱۹/۱
کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی	۱۹/۵	۳۲/۲	۲۱/۲	۲۱/۳
کمبود امکانات تفریحی - ورزشی	۰/۹	۴/۴	۶/۹	۴/۰۶
کمبود امکانات حمل و نقل و ارتباطی	۷/۵	۹/۹	۱۲	۹/۸
کمبود منابع طبیعی	۵/۷	۵/۶	۴/۶	۵/۳

منبع: یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین عوامل ترغیب‌کننده زندگی شهری از نظر پاسخگویان به ترتیب عبارت‌اند از: برخورداری از امکانات رفاهی، برخورداری از امکانات آموزشی و فرهنگی، امکان دستیابی به شغل مناسب، دارا بودن مراکز درمانی و امکانات بهداشتی، وجود امکانات تفریحی و ورزشی، و

۱. کمبود امکانات رفاهی از نظر پاسخگویان اینهاست: نداشتن ناوایی، نبود امکانات گرمایشی در فصول سرد سال، مسکن نامناسب و نوع ساخت و ساز ساختمان‌ها، و سختی کار روستایی و زندگی پرمشقت.

داشتن امکانات حمل‌ونقل و ارتباطات. باید توجه داشت که عامل امکانات آموزشی- فرهنگی و امکانات رفاهی به‌ترتیب در هر سه اولویت و در کل بیشترین فراوانی را از آن خود کرده‌اند. به‌دنبال آگاهی یافتن از نظر پاسخگویان در زمینه خصوصیات روستای ایده‌آل از نگاه آنان، این سؤال مطرح شده بود که «به نظر شما روستای خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟». طبق اظهارات پاسخگویان، برخورداری از امکانات رفاهی با ۴۰/۲ درصد و امکانات آموزشی- فرهنگی با ۱۷/۴ درصد از مهم‌ترین ویژگی‌های روستای خوب از نظر آنان هستند. ویژگی داشتن منابع طبیعی غنی و مرغوب ۱۴/۹ درصد، برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی با ۱۰/۵ درصد، امکانات کاری با ۸/۸ درصد، وجود وسیله ایاب و ذهاب با ۵/۴ درصد و امکانات تفریحی و ورزشی با ۲/۹ درصد نیز در مراتب بعدی قرار می‌گیرند (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب جاذبه‌های زندگی شهری نسبت به زندگی روستایی

جاذبه مقصد	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	کل
امکانات رفاهی	۴۵/۲	۳۰/۴	۲۷/۷	۳۴/۴۳
امکانات بهداشتی	۸/۶	۸/۵	۶/۶	۷/۹
امکانات کاری	۲۲	۲۰	۱۷/۷	۱۹/۹
امکانات آموزشی و فرهنگی	۲۰/۳	۳۱/۵	۳۰/۶	۲۷/۴۶
امکانات تفریحی - ورزشی	۲/۳	۶/۱	۸/۱	۵/۵
امکانات حمل‌ونقل و ارتباطی	۱/۶	۳/۵	۶/۳	۳/۸

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی تأثیر تصورات جوانان از زندگی شهری و روستایی بر ماندگاری آنان در روستا افزون بر عامل‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی، عامل مهم دیگری که در مهاجرت جوانان از روستا به شهر و یا ماندگاری آنان مؤثر است، نوع تصورات آنان از زندگی شهری و روستایی است. با احتساب تصور ترک روستا به‌عنوان متغیر وابسته، به‌منظور بررسی رابطه آن با تک‌تک

سنجه‌های تشکیل‌دهنده متغیر تصور جوانان از زندگی روستایی و شهری به‌عنوان متغیرهای مستقل- از آزمون X^2 استفاده شده است. برای این منظور، گویه‌های «تأمین هزینه مخارج زندگی در شهر خیلی سنگین‌تر از روستاست»، «انتخاب همسر در روستا راحت‌تر از شهر است»، «هم‌اکنون موقعیت شغلی محیط روستایی بهتر از شهر است»، و «در محیط روستا نسبت به شهر نمی‌توان فرزندان خوبی تربیت کرد»، با رویکردهای تصور مثبت، تصور خنثی و تصور منفی نسبت به زندگی روستایی و شهری طبقه‌بندی شده‌اند.

بررسی رابطه بین متغیرهای فوق با ماندگاری در روستا نشان می‌دهد که داشتن تصور مثبت از زندگی شهری و نگرش منفی به زندگی روستایی بر مهاجرت جوانان مؤثر است. از میان جوانانی که در مورد گویه «تأمین هزینه مخارج زندگی در شهر خیلی سنگین‌تر از روستاست» تصور منفی دارند حدود ۸۴ درصد و آنهایی که تصور مثبت دارند حدود ۶۹ درصد قصد دارند در آینده روستا را ترک کنند. تصور مثبت نسبت به موقعیت شغلی محیط روستایی در مقایسه با شهر بر ماندگاری جوانان در روستا تأثیر می‌گذارد. همچنین ۳۱/۵ درصد افرادی که تصور مثبتی از وضعیت اشتغال روستایی دارند در مقابل ۲۱/۲ درصد که نگرش‌شان منفی است، ادعا می‌کنند که در آینده می‌خواهند در روستا بمانند. انتخاب همسر در روستا راحت‌تر از شهر است، که به‌عنوان تلقی تصور مثبت از زندگی روستایی انتخاب شده است.

نتایج حاصل از آزمون حاکی از آن است که این متغیر تأثیری در وضعیت ماندگاری جوانان ندارد. دشواری تربیت درست فرزندان در روستا در مقایسه با شهر، عامل دیگری است که بر وضعیت ماندگاری یا ترک روستا تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد جوانانی که تصور مثبتی از این عامل دارند حدود ۸۰ درصد و آنهایی که تصور منفی دارند حدود ۶۹ درصد احتمال دارد که در آینده روستا را ترک گویند. مجموع نتایج برآمده از جدول ۵ نشان‌دهنده آن است که تصویرسازی منفی از روستا باعث تضعیف حس تعلق به روستا در بین جوانان می‌شود و فرایند ترک روستا از سوی جوانان را تسهیل و تسریع می‌کند.

جدول ۵. توزیع نسبی وضعیت ماندگاری جوانان در روستا برحسب نوع تصور آنان از زندگی روستایی و شهری

متغیرها	تأمین هزینه مخارج زندگی در شهر خیلی سنگین‌تر از روستاست.			انتخاب همسر در روستا راحت‌تر از شهر است.			هم‌اکنون موقعیت شغلی محیط روستایی بهتر از شهر است.			در محیط روستا نسبت به شهر نمی‌توان فرزندان خوبی تربیت کرد.		
	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی زیاد	زیاد	کم
تصور ترک روستا در آینده/ بلی	۶۸/۸	۷۸/۳	۸۳/۷	۷۲/۲	۷۷/۲	۷۱/۹	۶۸/۵	۶۱/۳	۷۸/۸	۷۹/۶	۷۳/۶	۶۸/۸
آماره‌های آزمون	$X^2 = 9/27$ Sig = /۰۱ Cramer's V = /۱۳۵			$X^2 = ۰/۹۷۶$ Sig = /۰۶۱۴			$X^2 = ۱۲/۵۵$ Sig = /۰۰۲ Cramer's V = /۰۱۶			$X^2 = ۶/۲۲۱$ Sig = /۰۴۵ Cramer's V = /۱۱۱		

منبع: یافته‌های تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که «چه عواملی بر نوع نگرش و تصویرسازی جوانان از زندگی روستایی و شهری تأثیر می‌گذارد؟» رابطه بین هر کدام از مؤلفه‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی با نوع تصور جوانان بررسی شد. نتایج آزمون کای‌اسکوئر نشان می‌دهد که متغیرهای فوق تأثیری در نگرش جوانان مبنی بر مثبت یا منفی بودن زندگی روستایی یا شهری ندارد. در این میان، نکته‌ای که بایستی به آن توجه کرد این است که گسترش ارتباطات و اطلاعات، به‌عنوان فرایندهای جهانی‌شدن، می‌تواند به‌نحوی ارزش‌های زندگی روستایی را در نظر جوانان کاهش دهد. مقایسه زندگی شهری با زندگی روستایی، جدای از داشتن شغل برتر، میزان درآمد بیشتر و تحصیلات دانشگاهی، این تصور را در جوانان به وجود می‌آورد که با ترک روستا به موقعیت بهتر و رفاه بیشتری خواهند رسید. چنین ذهنیت و تصویری از زندگی شهری، آنان را به‌صورت تقلیدی به ترک زادگاه خود و سرازیر شدن به‌سوی مناطق شهری ترغیب خواهد کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دستیابی کشورهای در حال توسعه به حفظ جوانان روستایی در روستاها با توجه به فرصت‌های محدود اشتغال جوانان در این مناطق، دشوار و نیازمند اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بسیاری است. این در حالی است که عواملی همچون تحصیلات، رسانه‌ها، و گردشگری روستایی سطح آرزوها و تمایلات جوانان روستایی را بالا می‌برند و منجر به افزایش فاصله تمایلات و آرزوهای آنان با فرصت‌های موجود اشتغال در روستاها می‌شوند. این فاصله باعث می‌شود که جوانان روستایی سرانجام به ترک سریع‌تر روستا و مهاجرت به کلان‌شهرها ترغیب شوند. جوانان امیال و آرزوهایی در حیطه شغل، درآمد، شأن و منزلت، موقعیت اجتماعی و یا نوعی خاص از زندگی دارند، و کلید جذب آنها به جامعه روستایی همانا فراهم کردن امکان دستیابی آنها به اهدافشان است. موفقیت سیاست توسعه اجتماعی کشور نیز در گرو جذب و حفظ جوانان روستایی در روستا و اشتغال آنهاست (پورسینا و همکاران، ۱۳۸۹). در این مقاله به منظور شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان در روستاها سعی شده است ضمن توجه به تأثیر مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی بر نگاه‌داشت جوانان در روستا، نوع تصور و نگرش آنان به زندگی شهری و روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری جوانان در روستاها نیز بررسی شود. از این رو یافته‌ها و راهکارهای آن می‌تواند هم‌ارز و چه‌بسا مهم‌تر از سیاست‌های مهاجرت معکوس (شهر-روستا) در ایران باشد، و برنامه کاربردی آن می‌تواند در کاهش مهاجرت‌های احتمالی روستا-شهر در ایران مؤثر واقع گردد.

نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه خانوار، طبقه اقتصادی خانواده از نظر خود پاسخگویان و محل اشتغال پاسخگویان، در ماندگاری جوانان در روستا نقش اساسی دارند. طبق نظریه سرمایه انسانی، افرادی که از منابع اجتماعی و اقتصادی بیشتری بهره‌مندند، بیشتر درصدد بهبود و تثبیت موقعیت‌شان برمی‌آیند. از آنجا که فرصت‌های اشتغال برای افراد تحصیل‌کرده در مناطق روستایی کمتر از جوامع شهری است، بنابراین جوانان برای رسیدن به آمل و آرزوهای‌شان مجبور به ترک روستا

هستند. همچنین میزان درآمد افراد به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر ماندگاری جوانان شایان توجه است. جوانانی که میزان درآمدشان پایین‌تر است بیشتر تمایل به ترک روستا دارند تا ماندگاری. طبق مدل هزینه و فایده، چنانچه درآمد افراد با درآمد واقعی فاصله زیادی داشته باشد، برای به‌حداقل رساندن این فاصله و به‌دنبال یافتن محل مناسب‌تری برای افزایش میزان درآمد خود، مبدأ را ترک می‌کنند.

بررسی تأثیر محل اشتغال جوانان بر ماندگاری آنها در روستا نشان می‌دهد که ۸۲ درصد افرادی که در شهر و ۷۵ درصد افرادی که در روستاهای دیگر مشغول به کار هستند، ادعا کرده‌اند که روستا را ترک خواهند کرد. نتایج حاصل از تحقیقات پژوهشی غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین میزان مهاجرت و جست‌وجوی کار (اشتغال)، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی- ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی، و کثرت امکانات در شهرها وجود دارد. در زمان حاضر اختلاف فاحشی بین امکانات جوامع روستایی و مناطق شهری وجود دارد، و همین امر می‌تواند مهاجرت جوانان را تسریع بخشد. با توجه به این اختلاف، از افراد خواسته شد تا عوامل دافعه روستایی و جاذبه شهری را به ترتیب اولویت بیان کنند. طبق اظهارات پاسخگویان، کمبود امکانات رفاهی، کمبود امکانات بهداشتی، کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی، نبود شغل مناسب و مشکلات کاری، کمبود وسیله حمل‌ونقل و عدم حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی مهم‌ترین علل دفع جوانان از جوامع روستایی و افزایش گرایش به مهاجرت آنها به مناطق شهری است. طاهرخانی (۱۳۸۱) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که تسهیلات محلی، رضایت از محل سکونت، رفاه اجتماعی، استانداردهای زندگی، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و هدف‌های ارزشی به‌طور معناداری انگیزه مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین را افزایش داده‌اند. جوانان ساکن در نواحی روستاهای اهر به ترتیب اولویت، برخورداری از امکانات رفاهی، امکانات آموزشی- فرهنگی، داشتن منابع طبیعی غنی و مرغوب، برخورداری از امکانات بهداشتی درمانی، امکانات کاری، وجود وسیله ایاب و ذهاب، و امکانات تفریحی و ورزشی را از ویژگی‌های منحصربه‌فرد

روستایی می‌دانند که می‌تواند جوانان را در خود نگه دارد و مانع سرازیر شدن آنها به سوی مناطق شهری گردد.

نتایج تحقیق رضوی‌زاده (۱۳۸۶) نشان داد که بیشتر پاسخگویان وضع مالی، رفاهی، شغلی، مسکن و تغذیه زندگی روستایی را در حد متوسط یا پایین ارزیابی کرده‌اند. سن، وضع تأهل و تحصیلات افراد تأثیری در نگرش آنها به زندگی روستایی ندارد. روستاییان، بیشتر ابعاد زندگی شهری را مثبت ارزیابی کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز درمی‌یابیم از آنجاکه تصویرسازی منفی از روستا و داشتن تصور مثبت از زندگی شهری، باعث تضعیف حس تعلق به روستا در بین جوانان می‌گردد، این عامل می‌تواند فرایند ترک روستا را تسریع کند. جهانی‌شدن ارتباطات و تأثیرپذیری جوانان از رسانه‌ها، بر فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی آنان به شدت مؤثر است. تغییر در سبک زندگی روستایی و نوع رفتار جوانان نشان از تغییر ارزش‌ها و سنت‌های روستایی دارد، به طوری که دیگر سنت‌های رایج زندگی روستایی در نظر جوانان کم‌ارزش شده است. مقایسه زندگی شهری با زندگی روستایی، جدای از داشتن شغل برتر، درآمد بیشتر و تحصیلات دانشگاهی، این ذهنیت را برای جوان روستایی به وجود می‌آورد که با ترک روستا می‌تواند موقعیت خود را بهبود بخشد.

از آنجا که جوانان روستایی نقش بسیار مهمی در حفظ تعادل سهم جمعیت نقاط روستایی و شهری کشورمان دارند، برای نگه‌داشت این نیروی عظیم در روستاها ضروری است که جوامع روستایی متناسب با جوامع شهری از فرصت‌هایی بهره‌مند گردند. زنجانی (۱۳۸۰) و قاسمی اردهائی (۱۳۸۶) توجه به شیوه معیشت و بافت جوامع روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی، توجه به نیازهای اساسی جوامع روستایی به‌ویژه با محور قرار دادن نیازهای نسل جوان- و شناسایی علل اساسی مهاجرت از جوامع روستایی را از عوامل تعیین‌کننده در سیاست‌های مهاجرت روستا-شهر و نگه‌داشت روستاییان در مناطق روستایی برشمرده‌اند. با توجه به اینکه امروزه بیش از هر زمان دیگری به عدالت‌محوری و مساوات‌طلبی در برنامه‌های توسعه‌ای نیاز است، باید به حقوق مسلم انسان‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر در بین همه اقشار جامعه و

اجتماعات انسانی توجه کرد. علاوه بر این، باید در مسیر حل «مسائل، مشکلات و موانعی که مردم روستایی ادراک می‌کنند، که مبتنی بر ذهنیات‌شان و یا بر مبنای واقعیت‌های عینی و تجربی‌ای است که در محیط زندگی آنها حاکم است» (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۳-۵۲) اقدام کرد.

منابع

- اسکلدون، رونالد، ۱۳۸۰، مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی، ترجمه حمیدرضا وجدانی، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۳۸ و ۳۷، صص. ۱۳۰-۱۱۲.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ بدری، سیدعلی؛ پایدار، ابوذر و سوادی، علی‌اصغر، ۱۳۹۱، تحلیل ادراکات روستاییان از پیشرفت زندگی و ابعاد و موانع آن، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره دوم، سال سوم، صص. ۷۴-۵۱.
- پورسینا، مهرناز؛ چیدری، محمد؛ فرج‌اله حسینی، سیدجمال و طهماسبی، مریم، ۱۳۸۹، عوامل مؤثر بر میزان انگیزه جوانان روستایی برای اشتغال به حرفه کشاورزی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان کلاردشت، فصلنامه روستا و توسعه، پاییز ۱۳۸۹، ۱۱۳(۳)، صص. ۴۹-۳۱.
- راغفر، حسین و قاسمی اردهایی، علی، ۱۳۸۸، علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی مهاجران بین‌شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۸، زمستان، صص. ۶۱-۳۹.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و سلیمانی مسعود، ۱۳۹۰، زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی، فصلنامه توسعه روستایی، دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، پیاپی ۵، صص. ۱۸۸-۱۶۷.
- رضوانی، محمدرضا؛ صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله، ۱۳۹۰، سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان مرکزی شهرستان خدابنده)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره یکم، سال دوم، صص. ۳۱-۱.

رضوانی، محمدرضا؛ صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله، ۱۳۹۰، سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان مرکزی شهرستان خداآبنده)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره یکم، سال دوم، صص. ۳۱-۱.

رضوی‌زاده، سیدنورالدین، ۱۳۸۶، نگرش روستاییان به زندگی شهری و روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۳، صص. ۸۶-۵۹.

زنجانی، حبیب‌الله، ۱۳۸۰، مهاجرت، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.

طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۱، بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، مجله مدرس، دوره ۶، شماره ۲، تابستان، صص. ۶۰-۴۱.

غفاری، رامین و ترکی هرچگانی، معصومه، ۱۳۸۹، تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (مورد پژوهی: روستای صادق‌آباد از توابع بخش سامان در استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲، زمستان، صص. ۱۰۲-۹۱.

قاسمی اردهائی، علی و حسینی‌راد، علی، ۱۳۸۷، جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه‌های ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۵-۶۶، پاییز و زمستان، صص. ۲۶-۱.

قاسمی اردهائی، علی، ۱۳۸۶، سیاست‌های مهاجرت روستا-شهر و ضرورت آن با تأکید بر ایران، چهارمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۴-۱۳ اسفند ۱۳۸۶، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران.

قاسمی سیانی، محمد، ۱۳۸۸، پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان، صص. ۱۶۵-۱۴۵.

قدیری معصوم، مجتبی؛ یوسفی، حبیبه؛ اکبرپور سراسکانرود، محمد و خلیلی، احمد، ۱۳۹۱، تعارض روستاگرایی جوانان با توسعه روستایی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره دوم، سال سوم، صص. ۱۱۸-۹۷.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی و نتایج و داده‌های اولیه سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰.

ولی‌اله رستمعلی‌زاده و همکاران ————— عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی: مطالعه موردی: شهرستان امر

مکانیکی، جواد و قالیبافان، حسن، ۱۳۸۲، اثرات مهاجرفرستی بر ساختار جمعیت مناطق روستایی (مطالعه موردی شهرستان بیرجند)، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، صص. ۱۶۵-۱۷۹.

موزلی، مالکولم جی، ۱۳۸۸، توسعه روستایی: اصول و عملیات، ترجمه مجتبی قدیری معصوم و آئیژ عزمی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Amin, Samir, 1974, **Modern Migration in Western Africa**, Oxford University Press.

Cadwallader, M., 1992, **Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches**, University of Wisconsin Press, Madison, WI.

Christakopoulou, Sophia; Dawson, Jon; Gari, Aikaterini, 2001, **The Community Well-Being Questionnaire: Theoretical Context and Initial Assessment of Its Reliability and Validity**, Social Indicators Research, Vol. 56, No. 3 (Dec., 2001), PP. 321-351.

Claude, Lumane P, 1995, **Community Activeness, Success, and Well-being: A Comparative Case Study of Four Pennsylvania Rural Communities**, A Dissertation Submitted to the Pennsylvania State University in Candidacy for the degree of Doctor of Philosophy, Department of Agricultural Economics and Rural Sociology.

DaVanzo, J., 1981, **Microeconomic Approaches to Studying Migration Decisions**, In: DeJong, G., Gardner, R. (Eds.), Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Microlevel Studies in Developed and Developing Countries. Pergamon Press, New York.

Elder Jr., G., King, V., Conger, R., 1996, **Attachment to Place and Migration Prospects: a developmental perspective**, Journal of Research on Adolescence 6 (4), PP. 397-425.

- Felski, R., 1999, **The Invention of Everyday Life**, New Formations 39, PP. 13-31.
- Garasky, S., Haurin, R., Haurin, D., 2001, **Group Living Decisions as Youth Transition to Adulthood**, Journal of Population Economics 14 (2), PP. 329-349.
- Garasky, Steven, 2002, **Where Are They Going? A comparison of urban and rural youths' locational choices after leaving the parental home**, Journal of Social Science Research, 31, PP. 409-431.
- Gibbs, R., 1995, **Going away to College and Wider Urban Job Opportunities Take Highly Educated Youth away from Rural Areas**, Rural Development Perspectives 10 (3), PP. 35-44.
- Jobes, P., 2000, **Moving Nearer to Heaven: The Illusions and Disillusions of Migrants to Scenic Rural Places**, Praeger, Westport, CT.
- Liefbroer, A.C., De Jong Gierveld, J., 1995, **Standardization and Individualization: the Transition from Youth to Adulthood among Cohorts Born between 1903 and 1965**, In: Van den Brekel, H., Van Deven, F. (Eds.), Population and Family in the Low Countries 1994. Kluwer, Dordrecht.
- MacKendrick, N.A.; Parkins, J.R., 2004, **Frameworks for Assessing Community Sustainability: a synthesis of current research in British Columbia**, Nat. Resour. Can., Can. For. Serv., North. For. Cent., Edmonton, AB. Inf. Rep. NOR-X-392.
- Mulder, C.H., Clark, W.A.V., 2002, **Leaving Home for College and Gaining Independence**, Environment and Planning A 34, PP. 981-999.

- Murphy, Brenda, 2010, **Community Well-Being: An Overview of the Concept**, Nuclear Waste Management Organization 22 St. Clair Avenue East, 6th Floor Toronto, Ontario M4T 2S3, Canada.
- Osterman, K.F., 2000, **Students' Need for Belonging in the School Community**, Review of Educational Research 70 (3), PP. 323-367.
- Putnam, R.D., 2000, **Bowling Alone**, Simon & Schuster, New York.
- Rubenstein, R.L., Parmalee, P.A., 1992, **Attachment to Place and the Representation of the Life Course by the Elderly**, In: Altman, I., Low, S. (Eds.), Place Attachment, Plenum Press, New York, PP. 139-165.
- Rye, J.F., 2006, **Leaving the Countryside; an Analysis of Rural-to-urban Migration and Long term Capital Accumulation**, Acta Sociologica 49, PP. 47-65.
- Stockdale, A., 2006, **Migration: Pre-requisite for Rural Economic Regeneration?**, Journal of Rural Studies 22, PP. 354-366.
- Thissen, Frans; Droogleever Fortuijn, Joos; Strijker, Dirk and Haartsen, Tialda, 2012, **Migration Intentions of Rural Youth in the Westhoek, Flanders, Belgium and the Veenkoloniën**, The Netherlands, Journal of Rural Studies, 26 PP. 428-436.
- Trell, Elen-Maarja; van Hoven, Bettina and Huigen, Paulus, 2012, **'It's Good to Live in Järva-Jaani but We Can't Stay Here': Youth and belonging in rural Estonia**, Journal of Rural Studies, 28, PP. 139-148.